

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

صورت چهارم دوران امر بین نفسی و غیری

صورت چهارمی که در این بحث مطرح شده به حسب آنچه در محاضرات آمده (و صورت دوم درکلام مرحوم نائینی)؛ آخرین صورتی است که از موارد شک بین نفسی و غیری است.

در صورت چهارم فرموده‌اند ما علم تفصیلی به وجوب وضو و نماز داریم، لکن شک داریم که آیا صلاة، مقید به وضو است یا مقید به وضو نیست و این دو وجوب، یعنی وجوب وضو و صلاة متماثلان نیستند، بر خلاف فرض قبلی و صورت سوم که در صورت سوم همین فرض بود اما آنجا می‌گفتیم علم داریم به اینکه این دو واجب، اطلاقا و اشتراطا تماثل دارند. اما در اینجا تماثل برای ما معلوم نیست.

ما تفصیلا علم به وجوب وضو و صلاة داریم، شک داریم که آیا صلاة مقید به وضو است یا نیست، اما می‌دانیم که خود صلاة مشروط به وقت است، اما مشروط بودن وضو به وقت، برای ما معلوم نیست.

در صورت سوم می‌گفتیم علم داریم که هر دو نسبت به وقت مشروط هستند و تماثل این‌چنینی بین آنها برقرار بود، اما در صورت چهارم می‌گوییم می‌دانیم نماز مشروط به وقت است، اما وضو که علم تفصیلی به وجوب آن داریم آیا مشروط به وقت است؟

اگر مشروط به وقت باشد عنوان غیری پیدا می‌کند، یا وضو مشروط به وقت نیست، عنوان نفسی پیدا می‌کند.

بنابراین از این جهت که نمی‌دانیم آیا وضو مشروط به وقت است یا نیست، دوران امر بین نفسی و غیری بودن وضو بوجود می‌آید.

محقق نائینی (أجود التقریرات، ج 1، ص 248) فرموده‌اند مجموعا سه صورت و سه شک داریم و در هر سه مورد باید أصالة البرائة را جاری کنیم؛

صورت اول: شک اول در این است که صلاتی که مشروط به وقت است، آیا مقید به وضو است؟ در تقید صلاة به وضو شک داریم. اینجا اصالة البرائة را جاری می‌کنیم. وقتی شک می‌کنیم که آیا صلاة مقید به وضو است یا نه؟ اصل، برائت از تقید است. نتیجه‌ی اصالة البرائة از تقید این می‌شود که وضو عنوان واجب غیری ندارد بلکه عنوان واجب نفسی دارد.

سؤال: آیا این اصل مثبت نیست؟

پاسخ استاد: نمی‌خواهیم نفسی بودن را اثبات کنیم، می‌گوییم نتیجه‌ی نفسی بودن را دارد. و إلا اگر بخواهیم با این فرض اثبات کنیم که وضو واجب نفسی است، این اصل مثبت می‌شود. اما تعبیری که ایشان کرده‌اند می‌گویند نتیجه‌اش نتیجه‌ی نفسی است. و إلا نمی‌خواهیم اثبات کنیم که وضو در این فرض که أصالة البرائة را در تقیید جاری می‌کنیم، حتما وضو واجب نفسی است. خیر، اما وقتی می‌گوییم اصل، برائت از تقیید صلاة به وضو است، همان نتیجه‌ای که بر نفسی بودن وضو مترتب است همان نتیجه ترتب پیدا می‌کند.

صورت دوم: شک دوم؛ فرموده‌اند چون فرض ما این است که نمی‌دانیم آیا این وضویی که مسلما واجب است و ما علم تفصیلی به وجوب آن داریم، مقید به وقت است یا نیست؟ در نتیجه یک شک در اینجا حاصل می‌شود و آن این است که قبل از وقت صلاة، شک می‌کنیم آیا انجام وضو واجب است یا واجب نیست؟ أصالة البرائة را جاری می‌کنیم. قبل از اینکه زمان صلاة محقق شود نمی‌دانیم وضویی را که علم تفصیلی به وجوب آن داریم قبل از وقت واجب است یا نه، در اینجا أصالة البرائة را جاری می‌کنیم.

پس فرض مسأله اینگونه است؛ علم تفصیلی به وجوب وضو و وجوب صلاة داریم، شک ما در ابتدا این بوده که آیا صلاة، مقید به وضو است یا نه؟ فرض این است که علم به تماثل وجوبین نداریم، یعنی می‌دانیم نماز، مقید به وقت است، اما نمی‌دانیم وضو مقید به وقت هست یا نیست. اینکه علم به تماثل نداریم سبب می‌شود وضو، مردد بین نفسی و غیری باشد.

فرموده‌اند در شک اول، شک می‌کنیم آیا تقید واجب و لازم است یا نه، اصل؛ برائت است. برای اینکه وجوب وضو، تفصیلا مشخص است، وجوب صلاة، تفصیلا مشخص است. نسبت به تقید (طبق نظر مرحوم نائینی) شک ما شک بدوی می‌شود، که شک داریم آیا تقید لازم است یا نیست؟ أصالة البرائة را جاری می‌کنیم. این یک.

و اما خود وضو؛ اینجا هم دو شک داریم؛

1- شک می‌کنیم آیا گرفتن وضو قبل از وقت صلاة واجب است یا نه؟

در اینجا نسبت به اصل وجوب وضو علم تفصیلی داریم، اما نسبت به تقید وضو به قبل از وقت، شک ما بدوی می‌شود. لذا اینجا هم أصالة البرائة را جاری می‌کنیم.

در صورت دوم حال که شک می‌کنیم وضو قبل از وقت واجب است یا واجب نیست، أصالة البرائة را جاری می‌کنیم. أصالة البرائة می‌گوید وضو قبل از وقت واجب نیست. وقتی وضو قبل از وقت واجب نشد، نتیجه این می‌شود که وضو را باید داخل وقت گرفت.

اگر نتیجه این شد که وضو را داخل وقت انجام دهیم، نتیجه صورت دوم غیری شدن وضو است. پس تا الان نتیجه صورت اول؛ نفسی بودن و نتیجه صورت دوم؛ غیری بودن است.

صورت سوم: شک سوم را اینگونه فرض کرده‌اند که اگر کسی قبل از وقت وضو گرفت، می‌گوید حالا که من علم تفصیلی به وجوب وضو و صلاة دارم، قبل از وقت وضو می‌گیرم. این وضو باقی می‌ماند و استمرار پیدا می‌کند تا داخل وقت.

اینجا شک می‌کنیم آیا اعاده این وضو ثانیا واجب است یا نه؟ آیا برای کسی که وضو را قبلا در وقت آورده، آیا اتیان وضو برای او در داخل وقت ثانیا واجب است یا نه؟

می‌فرمایند در اینجا هم براءت جاری می‌کنیم. در اینجا آنچه بر حسب علم تفصیلی لازم بوده، آوردن وضو است. الان هم داخل وقت باید نماز را بیاورد. اما اینکه این وضو را حتما مقید باشد که در داخل وقت بیاورد بطوری که اگر قبل از وقت آورده نتواند با آن نماز بخواند، خیر، اینجا نسبت به اینکه اعاده ثانیا لازم است یا نه، أصالة البرائة را جاری می‌کنیم.

پس نتیجه این صورت سوّم هم نفسی بودن است.

بنابراین برای اینکه وقتی می‌گوییم در داخل وقت لازم نیست آورده شود و همان وضویی که در خارج وقت گرفته شده کافی است، نتیجه‌ی آن نفسی بودن است.

لذا مرحوم نائینی در هر سه صورت براءت جاری می‌کنند و نتیجه‌ی اولی و سومی؛ نفسیت است و نتیجه‌ی دومی؛ غیریت است.

لذا مرحوم نائینی در صورت چهارم هم سه فرض و سه شک را عنوان کردند و در هر سه براءتی شدند. در نتیجه مرحوم نائینی در تمام صور دوران بین نفسی و غیری، اصل عملی براءت را جاری کردند.

تعریض محقق خوئی نسبت به کلام محقق نائینی

مرحوم محقق خوئی (محاضرات 2: 393 و أجود التقریرات 1: 248) حاشیه‌ای را بر فرمایش استادشان دارند و می‌فرمایند اگر گفتیم وضو عنوان غیری دارد، لامحاله مقید به وقت می‌شود. اما اگر وضو عنوان نفسی داشته باشد، می‌فرمایند اینجا دو صورت دارد که بین این دو صورت مقداری در کلام مرحوم نائینی خلط شده است.

گویا ایشان می‌خواهند اینطور بفرمایند که مسأله در اینجا دو صورت دارد؛ فرض ما این است که علم تفصیلی به وجوب وضو و صلاة داریم و شک داریم به اینکه صلاة، مقید به وضو است یا نه؟ این هم درست.

اما اکنون که فرض این است که بین وضو و صلاة تماثل نیست، یک احتمال این است که وضو، نفسی باشد و یک احتمال این است که غیری باشد.

اگر غیری باشد حتما مقید به وقت است. اما احتمال دیگر این است که وضو، نفسی باشد. در اینجا که وضو عنوان نفسی دارد، دو احتمال دارد. یا نفسی مقید است یا نفسی مطلق. یعنی یک احتمال این است که وضو واجب نفسی مقید به قبل از وقت باشد، یعنی قبل از اینکه وقت بیاید باید این وضو را انجام دهد. دوم؛ واجب نفسی مطلق، یعنی وضو عنوان واجب نفسی دارد اما نه مقید به قبل از وقت، بلکه بعنوان مطلق، یعنی وضو مطلقاً چه قبل از وقت یا داخل وقت بیاوریم عنوان نفسی دارد.

پس ایشان می‌فرمایند باید اینها را تفکیک کنیم. وقتی به این نقطه می‌رسیم که وضو بین نفسی و غیری بودن مردّد است، اگر غیری باشد لامحاله مقید به وقت است. یعنی اگر غیری شد همانطور که صلاة مشروط است، چون قبلا خواندیم واجب غیری اطلاقاً و اشتراطاً تابع ذی المقدمه است، اگر گفتیم این وضو عنوان واجب غیری دارد، لامحاله مقید به وقت است. اما اگر واجب نفسی باشد باز دو احتمال در آن جریان دارد. 1- نفسی مقید به قبل از وقت یعنی این وضو که بعنوان واجب نفسی بر شما واجب است مقید است به اینکه قبل از وقت واجب باشد. 2- عنوان اطلاق دارد، عنوان اطلاق یعنی وضو بعنوان واجب

نفسی بر شما واجب است. می‌خواهید قبل از وقت یا داخل وقت بیاورید.

فرموده‌اند اگر این وضو واجب نفسی مقید به قبل از وقت باشد، مرحوم نائینی در اینجا اصالة البرائة را جاری کردند. در شک دوّم گفتید اگر شک کنیم وضو مقید به قبل از وقت است و آوردن وضو قبل از وقت واجب است یا نه، برائت جاری می‌کنیم.

محقق خوئی(ره) می‌فرمایند این أصالة البرائة معارض دارد. معارض آن این است که وضوی بعد از وقت بر شما واجب است یا نه؟ در آن هم اصالة البرائة جاری می‌شود. اجرای اصالة البرائة در قبل از وقت، معارض است با اجرای اصالة البرائة در وضوی بعد از وقت.

مرحوم آقای خویی فرموده‌اند در این صورت می‌شود الصغریات تدریجیات، تنجز در تدریجات. بحثی را در رسائل خواندیم، جایی که علم اجمالی داریم که این ظرفی که امروز در دست شما است نجس است یا ظرفی که فردا به دست شما خواهد رسید نجس است، اینجا بین اصولیین نزاع است که آیا همانطور که علم اجمالی در دفعیات(دفعیات یعنی طرفین آن هم اکنون موجود هستند) تنجز دارد، آیا در تدریجیات هم تنجز دارد یا ندارد؟

یعنی یک طرف علم اجمالی امروز است، یک طرف علم اجمالی یک یا دو ساعت بعد است.

مرحوم آقای خویی می‌فرمایند ما در جای خودش تحقیق و اثبات کرده‌ایم که علم اجمالی در تدریجیات هم منجز است.

بنابراین اکنون نمی‌دانیم وضوی قبل از وقت واجب است یا وضوی داخل وقت، درست است که اینها تدریجی هستند، یعنی زمان طرف دوّم بعد از طرف اوّل محقق می‌شود، اما این علم اجمالی هم منجز است. وقتی منجز شد، اصالة البرائة در هر کدام تعارض می‌شود. تساقط می‌کنند. پس باید احتیاط کنیم. احتیاط این است که در جایی که احتمال می‌دهیم وجوب نفسی وضو مقید به قبل از وقت باشد، قبل از وقت وضو بگیریم و آن را داشته باشیم، در داخل وقت اگر آن وضو استمرار پیدا کرد، دیگر اعاده آن لازم نیست. این مطلب در فرضی است که مقید باشد.

اما فرموده‌اند اگر فرض کنیم وضو، وجوب نفسی مطلق دارد، که اگر این چنین باشد دیگر جایی برای اجرای اصالة البرائة نیست.

در اینجا علم تفصیلی به وجوب وضو و صلاة داریم و شک در تقید صلاة به وضو، اما می‌گوییم نمی‌دانیم وضو واجب نفسی است یا واجب غیری. مرحوم آقای خویی می‌فرمایند اگر نفسی باشد و احتمال تقید آن به قبل از وقت باشد همان اشکال تعارض پیش می‌آید. اما اگر وضو، واجب نفسی مطلق بود، یعنی هم قبل و هم بعد از وقت می‌توانیم بیاوریم، دیگر جایی برای اصالة البرائة نیست. به دو دلیل.

دلیل اول: در اینجا دیگر شکی باقی نمی‌ماند. وقتی فرض می‌کنیم واجب نفسی مطلق است دیگر شکی باقی نمی‌ماند که بخواهیم اصل را جاری کنیم.

دلیل دوم: در جای خود گفته‌ایم أصالة البرائة یک اصل امتنانی است، اصل امتنانی یعنی برای این است که مشکل و تکلف و تضییق مکلف را بر طرف کند و مکلف را فی سعة قرار دهد. در روایات اصالة البرائة، یک تعبیری بود که «الناس فی سعة ما لا يعلمون»، بنابراین اصالة البرائة برای این است که یک توسعه‌ای در میدان عمل به مکلف بدهد. حال در اینجا بگوییم با فرض اینکه وجوب وضو، نفسی مطلق است، اصالة البرائة از اطلاق جاری کنیم.

اصالة البرائة از اطلاق، رفع اطلاق می‌شود. رفع اطلاق نمی‌تواند مقتضای اصل برائت باشد. آن چیزی می‌تواند مقتضای اصل برائت باشد که رفع ضیق باشد. اما اصالة البرائة بخواهد اطلاق و سعة مکلف را از بین برود در اینجا اصالة البرائة جریان ندارد.

بعد می‌فرمایند ما حرف استادمان مرحوم نائینی را فقط در فرض سوّم قبول می‌کنیم. در جایی که کسی وضو را قبل از وقت آورده در داخل وقت شک می‌کنیم آیا اعاده آن مجددا لازم است یا نه؟ البته در فرض اینکه وضو باقی مانده باشد. یعنی حدثی صادر نشده، می‌فرمایند در اینجا اصالة البرائة جریان دارد. چون آن مقداری که برای ما ثابت است اگر هم در واقع نماز مقید باشد، مقید به اصل وضو است، اما مقید به وضوی داخل وقت باشد و وضویی که حتما در داخل وقت انجام شده باشد چنین چیزی نیست. لذا در اینجا برای ما در این فرض جریان پیدا می‌کند. این خلاصه فرمایش مرحوم نائینی و فرمایش مرحوم آقایی. خویی.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين